



کارتون خواب ها

کیوان جاوید

معاون خدمات اجتماعی سازمان رفاه و مشارکت اجتماعی: ۲۰ درصد کارت خوابها زن هستند.

بنا بر آمار رسمی پلیس تهران هر تن فروش حداکثر ۵ دقیقه از وقت خود را در خیابان منتظر مشتری می ماند. تن فروشی در تهران در ازای رقمی بین ۲۰ تا ۵۰ هزار تومان صورت میگیرد. بر اساس برخی آمار، نود درصد زنان تن فروش در تهران باسواد هستند و در شهر تهران، میانگین سنی زنان تن فروش ۲۱ سال است.

همه بدبختی رها شد. در دفاع از حق زندگی برای همه کسانی که کارت خواب اند باید متحدانه مبارزه کرد. کارگران و معلمین و همه مزدبگیران می توانند پیشگام این مبارزه علیه کارت خوابی باشند.

شاید در نگاه اول این درخواست ذهنی و غیر واقعی جلوه کند. اما این انتظاری زمینی و واقعی است چون متکی بر تجربه جهانی از مبارزه متحدانه علیه نابرابری و فقر است.

هیچ کجا و هیچ وقت، هیچ دولتی از سر دلسوزی قدمی جهت بهبود زندگی مردم بر نداشته است. همیشه قدرتمندترین و متشکل ترین بخش جامعه بهبود زندگی مردم را به طبقه حاکم تحمیل کرده است.*

همزمان با ذکر آمار به نقل از منابع دولتی در مورد کارت خواب های زن، اشاره ای هم به تن فروشی در تهران شده است. حتی اگر بپذیریم کارت خوابی زنان در تهران فقط ۲۰ درصد است باید متوجه بود که اگر زنان از راه تن فروشی هزینه زندگی خود و خانواده خودشان را تامین نمی کردند، حالا با آماری به مراتب وحشتناکتر از این روبرو بودیم.

فقر و بدبختی ای که کل تار و پود جامعه را فرا گرفته است، محصول قحطی و خشک سالی و نتیجه بلایای آسمانی نیست. محصول و نتیجه عملکرد یک دولت است. با این وضعیت هم در کوتاه مدت می توان مقابله کرد و هم برای همیشه می توان از شر این

دختری از آلمان

سلسله نوشته های پتی - Patty

هر وقت نشریه "علیه تبعیض" برایم خوانده می شود و می فهمم زنان و دختران در ایران همه روزه با چه چیزهایی روبرو هستند، شوک میخورد. در اروپا زندگی کرده ام و در اروپا بزرگ شده ام و هرگز با آن وضعیتی که زنان و دختران در ایران دارند - حتی در ابعادی بسیار کوچکتر هم - مواجه نشده ام.

انسانها در جاهای مختلف تجارب مختلفی از سر میگذرانند. فکر کردم این برای زنان ایران (و همچنین مردان) باید جالب باشد که ما - با توجه با آزادیها و همچنین تعهداتی که پیش رو داشتیم - چگونه در آلمان بزرگ شدیم. با نگاه کردن به مشکلات و مسائلی که زنان و دختران ایران با آن مواجه هستند، من احساس میکنم که بزرگ شدن در جایی مثل آلمان مزایای زیادی داشته، اگرچه البته آنوقتها



این احساس برای من روشن نبود. در هفته های آینده من در باره زندگی ام خواهم نوشت: اول در باره رقص در دیسکو، دوست پسرها و هیجانان نوجوانی.

جشن تولد ده سالگی در باغچه خانه مان

روز تولد، و مهمتر از آن جشن تولد اتفاق

"غرب در فساد"

آیت الله سیدمهدی موسوی خلخالی: در شان جمهوری اسلامی نیست که کلاس های مختلط برگزار شود؛ زیرا خواه ناخواه نگاه آنها در کلاس به دلایل مختلف به هم افتاده و موجب افکار پریشان و فساد در جامعه می شود. آیت الله موسوی خلخالی بی بندوباری در نظر و شهوترانی و بی بندوباری در حجاب را از مشکلات غرب دانست که سبب ایجاد بحران در جوامع غربی شده است و حاصل آن

بزرگی در آلمان است؛ مخصوصا وقتی شما نوجوان هستید. خاطره من این است که در جشن تولدها، تمام افراد خانواده دور هم جمع میشدند و بستگان و دوستان دیگر هم به این جمع می پیوستند. همیشه، در چنین روزهایی تا دلت میخواست قهوه، نوشابه و کیک آماده بود. همچنین فضا سرشار از گپ و موزیک و رقص و جیغ و داد بود.

ورود من به دنیای نوجوانی با جشنی در باغ تابستانی مان همراه بود؛ جشنی که همه همکلاسیهای دختر و پسر به آن دعوت شده بودند. مادر و پدرم باغ را با چادر کمپ و



عکسی از همان جشن، اما نه عکس مورد اشاره پتی با دوست "قلبی" اش

استخر بادی و شلنگهای آب باغبانی آماده کرده بودند؛ برادر بزرگم در دیسکوی زیرزمین خانه نقش دی جی را بازی میکرد؛ پدرم مسئول بساط کباب بود؛ و به همت عمویم که در یک بستنی فروشی کار می کرد برای سالها بستنی خانواده را تامین میکرد، آن روز باغ ما بهشت دسر شده بود.

امروز که به عکسهای آن روز نگاه میکنم ... همه این صحنه ها پیش چشمم رژه میروند: وول خوردن، لذت بردن از آفتاب در لباس شنا، پریدن توی استخر، خوردن سوسیس، و البته اهمیت ندادن به هیچ چیز دیگری. و این بود معنای ۱۰ ساله بودن: مدرسه، دوستان، تکلیف مدرسه، بازی در بیرون، خوردن



بستنی و بازی بیشتر.

اولین دوست قلبی ام هم در همان جشن تولد ما بود. از همان اول، چند سال جلوتر از این جشن که پایم را توی کلاس گذاشتم برای من روشن بود که ما "باهم" خواهیم بود. هنوز عکسی که ما را در همان جشن کنار هم نشان میدهد دارم: من در لباس شنای قرمز و او در تی شرت آبی و شلوارک. ما کودکانی بودیم در آستانه نوجوانی. رابطه ما بوسیدن و وقت گذاشتن با هم بود. هیچ چیز دیگری در ذهنمان نبود. بعد از چند سال، او این رابطه را با یک حالت رسمی و خوب پایان داد (در حالیکه در استادیوی فوتبال مشغول تماشای بازی بودیم). پایانی که در عین حال طبیعتی معصوم و مسئولانه داشت. ما برای همدیگر دوستان خوبی ماندیم، و سالها بعد زمانیکه او دلتنگ میشد به سراغم میامد و سوار ماشینش میشدیم و شهر را گشت میزدیم و کمی باهم وقت میگذرانیدیم.

آنزمان، دهساله شدن دنیای من را تغییر نداد. آن روز فقط یکی از لحظه ها در میان روزهای اغلب هیجان انگیز بود: هیجان و لذت کودک بودن. یک بعد از ظهر آفتابی در کنار همبازیاها بود. عینا مثل روزهای دیگر نبود اما خیلی هم تفاوت نداشت. ما همان کاری را انجام دادیم که معمولا انجام میدادیم: دیدار دوستان، بازی کردن، خوردن شیرینیهای زیاد و لذت بردن از زمان.

ادامه دارد

وحشت در میان دانش آموزان این مدرسه شد. قبل تر این معلمان چند پیام تهدید آمیز مبنی بر ترک شغل خود دریافت کرده بودند اما به این نامه ها توجه ای نکرده و همچنان به فعالیت های خود ادامه داده اند تا اینکه به قتل رسیده اند.*

واقعا این آخوند موسوی چشم ما را به حقایق دنیا باز کرد. حمله به مهمانی مردم و دستگیری ۹ نفر و قتل سه معلم زن در پاریس اتفاق افتاده است.*

افزایش آمار طلاق، قتل و جنایت و فسادهای اجتماعی دیگر از این قبیل شده است.*

دریک عملیات در شهرک غرب مشهد ۷ مرد و ۲ زن دستگیر شدند و یکی از "متهمان" که قصد داشت از طریق راه پشت بام فرار کند نیز دچار شکستگی استخوان دست شده است. گردانندگان پارتی با تشکیل پرونده به مراجع قضایی معرفی شدند.*

جسد سه تن از معلمان زن در افغانستان در مقابل مدرسه ای در قندهار سبب ایجاد ترس و

از این رو به اون رو

لیلا از ایران

دستاش تند تند رو تسبیح می چرخید و لبه‌اش تند تند تکون می خورد روسریش تا روی چشمش بود من هنوز پیشونیشو ندیده بودم که بلند یا کوتاه همیشه اینقدر با چادر خودشو می پوشند که اصلا فکرشو نمی کردی دختر جوان ۲۹ ساله ای باشه من که هر وقت می دیدمش مادر بزرگم جلوی چشمم تداعی می شد (باور کنید اعراق نمی کنم) فکر نمی کنم حتی یکبار هم پوستش رنگ کرم را هم به خودش دیده بود خلاصه که حزب الهی بود و همه چی از نظرش گناه و ممنوع بود تا اینکه چند وقت پیشها توخیابون دیدمش ابروهاشو برداشته بود آرایش روی صورتش بود شال سرش بود که نصف موهاش بیرون بود و تازه خودشو بیست کیلو هم لاغر کرده بود باور کردنی نبود گفتم آزاده این تویی؟ دیگه چشمم داشت از حنقه در می یومد و اگه بگم برای لحظاتی شاخ هم در آوردم

دروغ نگفته ام و اون گفت آره معلومه که خودمم. گفتم چی شده؟ چرا په دفعه از این رو به اون رو شدی؟ گفت: چکار کنم سالهاست خودمو از همه چی محروم کرده بودم و همش گوشه ی خونه مشغول نماز خوندن و دعا کردن بودم به این خیال که این طوری از نظر مردم دختر نجیبی به حساب می یام و آینده ی خوبی نصیبم می شه و شوهر خوبی می کنم اما اینطوری نبود همه ی پسرها حتی پسرهای نماز خون هم، دختران مدرن و شیک پوش رو می پسندند و الان کسی سراغ دخترای چادرچاقچولی نمی یاد منم دیدم دیگه داره ۳۰ سالم می شه تا حالا هم که از نماز و چادر و دعا چیزی نصیب نشده جز اینکه حتی همین لذتهای کوچکی هم که دخترا در این سن و سال دارن مثل دوست پسر رو هم از دست دادم برا همین دیگه همه چی رو کنار گذاشتم و الان فکر می کنم دارم بیشتر شبیه آدم زندگی می کنم.

زنده باد آزاده و تمام دختران مدرن ایران

به داد زندانیان قرچک برسیم

قرچک، کهریزد دوم

زندان قرچک ورامین در واقع سالن بسیار بزرگی است که در گذشته از آن به عنوان مرغداری استفاده می شده است. این سالن بزرگ بدون سلول است و بیش از سیصد زندانی در آن و در فقدان کمترین امکانات بهداشتی روی هم تل انبار شده اند. در این محل در ازای هر صد نفر زندانی یک توالت

وجود. دو شب پیش زندانبانان با باتوم به جان زندانیان افتادند و شمار قابل توجه ای از آنان را شدیداً مورد ضرب و شتم قرار دادند. در این بین شمار دیگری از زندانیان زیر دست و پا به حال خفگی افتادند. یکی دیگر از موارد شکنجه زندانیان در این زندان گرسنه نگه داشتن آنان است. جنایت در زندان قرچک ادامه جنایات بیشمار حکومت اسلامی در ایران. در ایران و جهان باید علیه این جنایت به میدان آمد.



برای علیه تبیض بنویسد و نشریه را به دوستان و همکاران و همکلاسی های خود هدیه کنید!

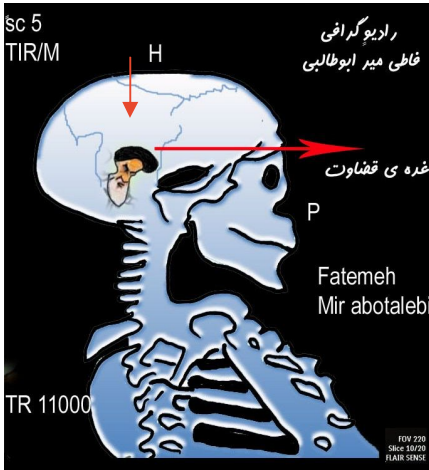
برنامه تلویزیونی علیه تبیض، جمعه ها ساعت یازده و ۱۳ دقیقه شب از کانال جدید. با این برنامه همکاری کنید. علیه تبیض برنامه ای از مهین علیپور.

کانال جدید در هات برد: فرکانس ۱۱۶.۰۴ اف ای سی ۶ / اف ای سی سیمبل ریت ۲۷۵۰۰ شبکه KBC

در محل کار و تحصیل و محلات جمع های علیه تبیض تشکیل بدهید!



فاطمه میر ابوطالبی - همسر سفیر جمهوری اسلامی در فرانسه : غده ای در سر ما زنان است که اجازه قضاوت درست را از ما می گیرد.



تعقیب یک عامل بیگانه

پلیس نظارت بر اماکن دستور جمع آوری عروسک های باری از مغازه ها را صادر و اعلام کرده پس از این فروش این عروسک ممنوع است. پیرو این دستورالعمل برخی فروشگاه های بزرگ اسباب بازی فروشی در شهر تهران این نوع عروسک ها را جمع کرده اند.*

حالا فهمیدم مشکل بد و بی حجابی در ایران از این باری نابکار است. باری جهنی است. باید زندانی شود و شلاق بخورد. اما تا اطلاع ثانوی جمع شدن باری از جلوی ویتزین ها باعث بالا تر رفتن قیمت آن می شود.*

از دوشنبه تا دوشنبه

مهراب از ایران

*جانشین فرمانده نیروی انتظامی از نتایج به دست آمده از "طرح به امنیت اخلاقی" ابراز نگرانی کرد. وی گفت که وضعیت حجاب و عفاف در گذشته، بسیار بد بود. با اجرای طرح امنیت اخلاقی در ماه های اخیر، وضعیت کمی بهتر شده اما هنوز وضعیت نگران کننده است.

با توجه به ادبیات مورد استفاده سران رژیم باید گفته های این پاسدار را این گونه خواند که طرح های جورواجور نیروی انتظامی در



اینجا ایران است و این دختران هم ساکن ایران اند. خامنه ای از کدام زنان حرف می زند؟ به چه کسانی خط و نشان می کشد؟ آیا آن سیاه پوشان عقب مانده می توانند در مقابل این شور زندگی مقاومت کنند؟ جواب را در خیابان های ایران بجویند.*

این چندساله با هدف تشدید فشار برای حجاب اجباری و ایجاد محدودیت های مضاعف برای زنان، با شکست مواجه شده است. یعنی این زنان بوده اند که نه تنها به امرونی فاطمی کماندوها و برادران شان! توجهی نکردند بلکه

احترام به هیولای اسلام

ملکه بئاتریکس، ملکه هلند در سفر اخیر خود به ابوظبی و عمان جامه ای بلند و سیاه به تن داشت و موهای خود را پوشانده بود.

مقام های دربار هلند شیوه پوشش او را نشانه احترام به سنت های اسلامی عنوان کرده اند. در دیدار ملکه بئاتریکس از مسجد اعظم سلطان قابوس در مسقط، پایتخت عمان، او شالی قرمز روی کلاهش انداخته بود و پرنسس ماکسیما هم که او را همراهی می کرد، حجاب بر سر داشت.*

تلویزیون هلند در گزارش سفر ملکه بئاتریکس گفت که او با پوشیدن دستکش، حتی بیشتر از زنان ابوظبی خود را پوشانده بود.*

با مقاومت خود رژیم را وادار به عقب نشینی کرده اند. این مقاومت و مبارزه ی پیگیر و ادامه دار زنان و شکست مفتضحانه، در گزارش عمومی جانشین فرمانده ناجا، به صورت اسم رمز "کمی بهتر" بیان شده است.

*وزیر بهداشت خبر داده که بیمارستان جامع زنان در استان ها راه اندازی می شود. بنا به گفته ای او، در این بیمارستان ها قرار است تمامی عوامل از پزشک و جراح گرفته تا بهیار و تزریقاتچی و راننده ی آمبولانس و دربان و نظافتچی و ... زن باشند تا به قول او، بیماران راحت باشند!

برخورد جنسیتی با جامعه تاکنون به جایی نرسیده است. قرار بود پارک های زنانه در سطح کشور افزایش یابد که با شکست خفت باری مواجه شده است. زنانه کردن بیمارستان هم روی بقیه شکست های رژیم!

*عهده ای از فاطمی کماندوها، تحت عنوان "نخبگان" ! به دیدار خامنه ای رفتند. خامنه ای در این دیدار در لفافه ی تاختن به فمینیست غربی، درحقیقت به جنبش زنان در ایران تاخت و آسمان را به ریسمان بافت و ملقمه ای از خرافه و تجر و ارتجاع قرون وسطایی را به خورد حاضرین داد و از فاطمی کماندوهای حاضر در جلسه تشکر کرد که حجاب را گردن نهاده اند و تفکیک جنسیتی را در دانشگاه و جامعه تئوریزه کرده اند. این اولین بار نیست که خامنه ای روی مساله ی زنان تاکید می کند. او می داند که زنان مبارز و معترض به حجاب اجباری، بعنوان لبه ی تیز جنبش انقلابی، در طول این ۳۰ و چند سال و علی الخصوص در دو سه ساله ی اخیر، شاید بیش از هر گروه دیگری، پرچم اعتراض و انقلاب را بر افراشته اند. امروز دیگر هرکسی می داند که رژیم هر وقت که روی مساله ای مانور می دهد معنی اش این است که آن مساله، خیلی جدی شده و بعنوان یک خطر برای رژیم درآمده است. وقتی رژیم به مساله ی زنان این قدر حساسیت نشان می دهد،



یکی از "خواهران نخبه که افتخار یافت در سخنرانی خامنه ای حضور بهم رساند. این عکس واقعی است باور کنید!

دلیلش را باید در افزایش و گسترش اعتراضات زنان جستجو کرد. خامنه ای می داند که ۸ مارس درپیش است و بنابراین درخیمه شب بازی هایش پای زنان را پیش می کشد. او در سخنرانی از خمینی بعنوان کسی که به زنان شخصیت داد نام برد. همان کسی که از سال ۴۲ مخالفت خودش را با حق رای برای زنان اعلام کرد. و در سال ۵۷ نیز سعی کرد به زور حجاب سر زنان بکشد و زنان را که در همان سال اول انقلاب به مخالفت حجاب اجباری دست به تظاهرات عظیم زده بودند را فواش نامید و دستور سرکوب شان را داد. "هویتی" که خامنه ای از آن یاد می کند طی ۱۴۰۰ سال گذشته توسط اسلام و ۳۲ سال توسط حکومت اسلامی در ایران چیزی جز بردگی برای زنان نبوده است. این بردگی در ایران به پایان خود نزدیک می شود.*



احترام به مذهب دیگر دوره اش گذشته است. دوره تعرض به ارتجاع است. همه شاهان و ملکه ها و دولت های غربی و "شرقی" تا توانستند به ارتجاع و اسلام باج دادند و سود مادی اش را بردند. در عربستان سر زنان را با شمشیر می زنند و اسلامی ها در افغانستان زنان را قطعه قطعه می کنند و کارنامه ۳۲ ساله رژیم اسلامی در ایران برای زنان فقط زندان و شلاق و تجاوز است. دنیا علیه این احترامات ارتجاعی است. همه ملکه های دنیا چشمشان را باز کنند و به انقلابات جاری نگاه کنند. دوره این مسخره بازی های عقب مانده به پایان رسیده است.*